

در این اواخر عده زیادی مرگهای ناگهانی در مملکت فرانسه اتفاق افتاده روزنامه‌های طبیی پاریس مینویسند، عمده سبب آنها همانا استعمال زیاد توتون است و از این جهت نظریات آکادمی طبیی را جلب کرده اند متأسفانه اغاب اعضاء آکادمی فرانسه بشدت استعمال آن را عادت دارند؛ که اگر فرضاً مضرات آن را درست تحقیق نموده و رسماً ترک آنرا اعلان هم نمایند چون خودشان معتاد هستند اهالی حسن تلقی نخواهند کرد ولی مرگها بیکفر از دانشمندان بااستعمال سمی معتاد باشد دلیل نیست که دیگران هم باید تبعیت نمایند.

دکتر سید محمد « رئیس مریضخانه دولتی تبریز »

ادب - و ادبیات ما

در اصطلاح متقدمین (ادب) تنها فنون انشاء و ترسل شامل بوده ، بنا ب تحقیق مستشرق معروف (نلینو) وقتی که علایق علمی و تجاری بین شرق و غرب رو بترقی و تزیید گذاشت و ترجمه کتب اروپا بزبان عربی رواج و شیوع پیدا نمود ، مترجمین لفظ ادب را بمعنی (لینه راتور) استعمال کردند ، و شاید اول کسی که این کلمه را بمعنی مزبور ترجمه کرده بطرس بستانی در کتاب (دائرةالمعارف) بوده است .

لیقه راتور Litterature — محررین اروپا گاهی بنام آثار قلمیة علماء و دانشمندان قوم یعنی بمجموع آنچه در بطون کتب از افکار علمای ملت وضع شده لفظ لینه راتور را اطلاق میکنند و زمانیکه دایرة اصطلاح تنگ میشود از هر کلام منظوم یا منثوریکه در قالب لطیف و ظریف ریخته شود با لفظ لینه راتور تعبیر

میکنند . پس ادبیات با همین معنی خاص و مقید باز مشتمل است بر انواع « حکم و حکایات ، قصص و روایات ، رسایل و خطب و مناظرات ؛ و هر کلام دیگری که با انشاء فصیح و عبارت ملبح ترکیب شود » در این صورت مناسب است چنین تعریف کنیم : علم ادب - یعنی تعبیر از معانی و عواطف و افکار مخزونه در ضمائر بوسیله انشاء و با سبک ظریف .

قید (بوسیله انشاء) موسیقی و فن تصویر را خارج میکند زیرا که اینها نیز از عواطف و افکار تعبیر ظریف میکنند ولی نه بواسطه انشاء و با قید (سبک ظریف) از علوم ریاضی و فلسفی احتراز میشود که برای تدوین آنها انشاء لازم است ولی بدون قصد بلطافت و ظرافت کلام .

ادبیات ما — یکی از مطلعین علاقه مندان سوال نمود (با اینکه افکار عامه امروزه به ترقی ادبیات توجه و تمایل کامل دارد ، محیط ایران چرا سعدی ها و فردوسیها پرورش نمیدهد)؟ تشخیص این مرض و تعیین علل و موجبات فقر ادبی بمهده فضلاء و دانشمندان است ولی برای فتح باب گمان نیز در اینموقع مختصراً قلم فرسایی مینمائیم ؛ (اولاً) دوره سعدیها زمانی بوده که هنوز علوم و فنون جدید و اختراعات و اکتشافات قدم بعرضه وجود نگذاشته بود و تحصیل فضل و کمال بچند فن محدود انحصار داشته که بین آنها شاعری نیز حایز امتیاز و اختصاصی بوده (ثانیاً) سلاطین و متنفذین عصر هم بسابقه ذوق طبیعی یا برای خلود ذکر و بقای نام بترویج این رشته اهتمام تمام نموده و در تأثیر این دو نکته شعرانی قدم بعالم وجود گذاشته که پس از قرنهای ایران و ایرانی هنوز مایه اعتبار و افتخارند . بر عکس امروز که شعبات جدید فنون ، افکار و اوقات مردم را بکلی مشغول نموده و هزاریک عصر رودکی و عنصری هم مروجی بعلم ادب نداریم ؛ بلکه بر عکس مخزین تیشه بر دست هم دار طلبانه ضربت های

مهلك بریشه دانش و معرفت میزنند ، با این حال غیر از اطفاء نور علم و احتشاق ادبیات بچیز دیگر نباید منتظر شد ؛ باید دانست که اجاده کلام مخصوصاً شعر و شاعری در هر عصر حتی دوره بربریت نیز محتاج بمقدمائی بوده که مع الاسف فعلاً از آن محروم هستیم .

شعر در جاهلیت — پس از چهارده قرن که نام امرء القیس ، زهیر ، نابغه ذبیانی هنوز در تاریخ عرب زنده است البته بی سبب نبوده بلکه توجه و مراقبت عمومی چنین شعرای نامی تربیت کرده .

مجمع علمی در جاهلیت — اعراب وحشی ، کسانی که به لات و هبل سفایر کرده دختران خود را از خوف تنگدستی زنده در گور میگردند بواسطه کلام منظوم بدخبلد آثار و تأیید ذکر و تثبیت افتخار خود فوق العاده سعی بوده و با طرق مختلفه در تعقیب این مقصود فداکاری داشتند از جمله : در زمان جاهلیت برای بیع و شرا محل هائی معین بود که در اوقات معلومه آنجا حاضر میشدند خطبا و بلغا نیز اشعار و خطب خود را به آن مجامع عمومی میخواندند برای تأمین مایهت و تسهیل کلام و ترجیح و تفضیل یکی بر دیگری قضاة و حکم ها نصب میشدند و بواسطه حسن رقابت بین فصحا و شعرا تولید یافته ابکار افکار پرده عزلت را دریده کلمات منتخبه و لغات مهذبه بین العموم رایج و منتشر میگردد مشهورترین اسواق عرب سوق عکاظ ، مجنه ، و ذوالمجاز بوده چنانچه حسان گوید :

« سانش ان حیت لهم کلاما * بشر فی المجنة مع عکاظ

مولی محمد شریف در وجه تسمیه عکاظ چنین گفته : « عکاظ کفراب سوق من اسواق العرب کانت قوم هلال ذی القعدة و تسمر عشرين یوما یجتمع العرب فیئها کظون ای یتاعدون و یتفخرون » مهدی ادیب